

صفحه ۵

"نوری در انتهای تونل"
زنان، روحانی و خط اعتدال

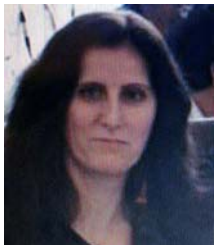
سیاوش دانشپور



صفحه ۲

پس از ترکیه نوبت برزیل
الگو پس از الگو فرو می ریزد

آذر ماجدی



صفحه ۴

مردم ترکیه حکومت اسلامی نمی خواهند
حکومت‌های اسلامی باید بروند!

چیمه دارابی

آغاز به کار
تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی

Medusa
TV

فرصتی برای نفس کشیدن
به بهانه مضحکه انتخابات



© Mohammad mahdi Amya

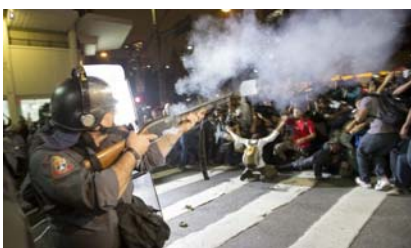
آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



پس از ترکیه نوبت برزیل الگو پس از الگو فرو می ریزد

آذر ماجدی

برزیل و ترکیه را برای ایران توصیه و تبلیغ می کردند. همواره در مقابل کمونیست های کارگری و مایی که ضد سرمایه داری و مدافع سوسیالیسم حرف می زدیم، می پرسیدند: "اشکالی دارد ایران مثل ترکیه و برزیل شود؟"



اگر در آن مقطع در مقابل استدلالات ما در دفاع از یک نظام سوسیالیستی که آزادی، برابری و رفاه را برای همگان تامین می کند، شانه بالا می انداختند؛ و در برابر بحث و استدلال ما که در تمام این کشورهای "تازه رشد کرده"ی تحت دموکراسی فقر بیداد می کند، اختلاف فقیر و غنی وسیع و سرکوب سیاسی یک پدیده عادی است، ما را ایده آلیستی می خواندند، بدنبال مدینه فاضله هستیم، می خواندند، اکنون که مردم در هر دو کشور به خیابان ها آمده اند و ناراضیاتی عمیق خود را از شرایط سیاسی و اقتصادی ابراز می کنند و با خشونت وحشیانه پلیس روبرو می شوند، قاعدتا باید زبانشان کن شود.

کشورهایی که طی دهه اخیر از نظر اقتصادی رشد بسیار کرده اند و تحت دموکراسی قرار دارند، شاخص ترین آن برزیل و هند و تا آنجا که به خاورمیانه مربوط می شود، ترکیه بر مبنای تامین یک ارتش نیروی کار ارزان توانسته اند به این رشد اقتصادی دست یابند. درست است که در اثر رشد

تغییر مهم سیاسی و الگویی جدید در ساختارهای سیاسی- اقتصادی در کشورهای باصطلاح در حال رشد یا تحت سلطه میداد. این الگوی جدید، بویژه پس از سقوط شوروی و بلوک شرق، بعنوان الگوی جدید پیروزی دموکراسی بر سوسیالیسم و مرگ کمونیسم در مقابل کشورهای دیگر تبلیغ می شد.

اقتصاددانان بورژوا و ژورنالیست های خادم طبقات حاکم، رشد اقتصادی در برزیل را بعنوان یک پیروزی مهم سرمایه داری و دموکراسی بر کمونیسم و سوسیالیسم در آکادمی ها و رسانه ها، در تحقیقات دانشگاهی - علمی و تبلیغات رسانه ای اعلام می کردند. برزیل بعنوان یک الگوی موفق سرمایه داری و دموکراسی شناخته شده بود. اینکه در این نمونه موفق، فقر وسیع است، فاصله فقیر و غنی باندازه یک اقیانوس است، سرکوب سیاسی نه بشدت دوران ژنرالها، اما یک پدیده عادی است و فساد و ارتشاء یک خصلت دائمی نظام، گوش کسی بدهکار نبود.



از جمله مبلغین الگوی برزیل و ترکیه در همسایگی ایران که کشوری اسلام زده است، ملی - اسلامی ها و ناسیونالیست های پرو غرب وطنی بودند. اینها با بادی در غبغب الگوی

برزیل هم به جنبش اعتراضی پیوست. یکی دو هفته است که اخبار اعتراضات در برزیل و حمله خشن پلیس به معترضین در رسانه ها، بویژه سایت های اجتماعی، از جمله فیس بوک، منعکس شده است. اعتراضات ابتدا به افزایش قیمت بلیط اتوبوس و مترو در شهر سائوپولو آغاز شد و سپس به شهرهای ریبودونانیرو، برازیلیا پایتخت و پورته آگره در جنوب برزیل کشیده شد. اعتراضات روزهای پنجشنبه 12 و جمعه



13 ژوئن گسترش قابل توجهی یافت. در این راهپیمایی ها و تظاهرات اعتراضی، مردم به گرانی، بالا بودن مالیات ها، سطح پایین بهداشت، آموزش و پرورش و ترانسپورت و همچنین هزینه بالایی که دولت صرف ساختن استادیوم ها و تسهیلات برای برگزاری جام جهانی فوتبال در سال آینده می کند، معترضند. پلیس ضد شورش و سوار بر اسب وحشیانه با گلوله های پلاستیکی و گاز اشک آور به مردم یورش می آورند.

برزیل از سال 1964-1985 تحت یک دیکتاتوری نظامی قرار داشت. پایان خونهاهای نظامی در برزیل، آرژانتین و شیلی، سه کشور مهم و بزرگ آمریکای جنوبی، تولد دموکراسی و رشد اقتصادی بویژه در برزیل، برای بسیاری چه در آمریکای لاتین و چه در دنیا نویدی از یک

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



جزم مردم برای دستیابی به چنین دنیا و جامعه ای است. بورژوازی و طبقات حاکم فقط با پلیس و ارتش، گاز اشک آور و ماشین آبیاش و گلوله های پلاستیکی و آتشین به سراغ مردم معترض نمی آیند؛ مبارزه طبقاتی سنگر به سنگر به پیش می رود: از سنگرهای خیابانی تا سنگرهای ایدئولوژیک. ایدئولوژیهای بورژوایی با صرف میلیونها دلار هر زمان الگوی نظام سرمایه داری را با یک بزک و یک نوع ایدئولوژی در مقابل مردم می گذارند.



اما در چند سال اخیر که بحران سرمایه داری ادواری با تمام قدرت یورش آورده است، همراه با کاهش نرخ سود، کاهش معیشت مردم، بیخانمان شدن و فقر مطلق که میلیونها نفر به آن مبتلا شده اند، کل ایدئولوژی بورژوایی نیز به زیر حمله برده شده است. "سرمایه داری کار نمی کند" دیگر بعنوان یک فاکت از زبان مردم عادی حتی در جوامع غربی شنیده می شود. فریب و توهم دموکراسی بعنوان سیستمی که ضامن دخالت مردم در سرنوشتشان یا حفظ حقوق و آزادی آنها است در مقابل چشمان مردم در دیده شده است. مردم می دانند این سیستم جوابگو نیست؛ می دانند که یک سیستم انسانی تر و آزادتری باید جایگزین آن شود. مساله بر سر شکل دادن به یک مبارزه انقلابی برای به زیر کشیدن این سیستم و ساختن جامعه ای آزاد و برابر و مرفه، یعنی سوسیالیسم بر ویرانه های آنست. این امر ما و رسالت ماست.*

پس از ترکیه نوبت برزیل الگو پس از الگو فرو می ریزد ...

آلترناتیوی برای مردم کارگر و زحمتکش در مقابل کمونیسم و سوسیالیسم و ترکیه بعنوان مدلی برای خاورمیانه و شمال آفریقا، مدل سرمایه داری موفق و حکومت "اسلام معتدل" فرو ریخت و نقش بر آب شد. بورژوازی بین المللی در جدال طبقاتی مدام بدنال ساختن و تبلیغ الگوهای موفق برای سرمایه داری است. در مبارزه طبقاتی همیشه جاری در جامعه، خواست دستیابی به یک دنیای بهتر، یک جامعه آزاد و برابر و مرفه همواره

اقتصادی بیکاری در این کشورها کاهش یافته است اما دستمزدهای بسیار پایین، بیحقوقی کارگران، سرکوب پلیسی، فساد



دستگاه حکومتی بمعنای شکل گیری جامعه ای بوده است که در آن اقلیتی به سرمایه های افسانه ای دست یافته اند و اکثریتی عظیم در فقر بسر می برند. اختلاف طبقاتی در این کشورها بسیار وسیع است. حقوق فردی و سیاسی مردم بسیار ناچیز و به آسانی قابل سلب است.



زنده و موجود است. کارگر و زحمتکش، مردم عادی و محروم و مردم خواهان آزادی و برابری همیشه رویای یک دنیای بهتر و جامعه ای آزاد



و برابر و مرفه را در سر می پروراند و در شرایط معینی، تلاش برای تحقق این رویا را به خیابانها می کشانند.

خیزشهای توده ای و گسترده ای که طی چند سال اخیر در گوشه و کنار دنیا شاهد آن بودیم، از خاورمیانه و آفریقای شمالی تا اروپا و آمریکا از ترکیه تا شیلی و برزیل همگی بیانگر این عزم

عجیب نیست که زنان در تمام این کشورها تحت خشونت گسترده و تبعیض جنسیتی قرار دارند. اگر در هند سنن و مذاهب عقب مانده ی عصر عتیق بعنوان یک بخش جدایی ناپذیر ایدئولوژی حاکم حفظ شده و این ایدئولوژی تا مغز و استخوان زن ستیز است؛ در ترکیه اسلام جایگاهی مهم در ایدئولوژی حاکم دارد و زن ستیزی اسلام نیز که بر کسی پوشیده نیست؛ در برزیل که از نظر فرهنگی از برخی نظرات مدرنتر است، مذهب کاتولیسیم بخشی از ایدئولوژی حاکم است و طبقات دارا و حاکم از آن پاسداری می کنند. جالب اینجاست که پاپ جدید که آرژانتینی است و عکس هایش دست در دست ژنرالهای جنایتکار و قاتل حاکم بر آرژانتین در آرشیوها موجود است، قرار است بعنوان اولین سفرش در مقام پاپ به برزیل سفر کند.

رویا و توهم الگوی موفق برزیل برای آمریکای لاتین و کشورهای "در حال رشد" بعنوان سرمایه داری و دموکراسی،

اسلام ضد زن است!



مردم ترکیه حکومت اسلامی نمی خواهند حکومت‌های اسلامی باید بروند!

چیمن دارابی

تداعی میکند.

اعتراضات جایگاه خود را علیه اسلام سیاسی برجسته میکند. مردم حاکمان اسلامی را نمیخواهند.

خیزش مردم ترکیه تا همینجا موجب شده که جنبش اسلامی ترک بردارد، تضعیف و بی اعتبار شود و به



مردم ترکیه خواهان یک حکومت چپ، سکولار و مدرن هستند. این حکومت رفتنی است و باید برود.

دست مذهب و اسلام باید از سر مردم کوتاه شود! زنده باد مبارزه آزادیخواهانه کارگران و مردم ترکیه، نابود باد حکومت‌های اسلامی! *

سراشویی بیفتد. عقب نشینی دولت و عنبرخواهی از مردم و تاکید بر اینکه "مردم حق دارند تظاهرات کنند"، نشاندهنده ضربه کاری ای بود که این تظاهرات مردم معترض و بپاخواسته به حزب اسلامی حاکم وارد نمود. زنان در صف اول این اعتراضات قرار دارند. جنبش آزادی زن در ترکیه همراه با این

اعتراضات مردم ترکیه بیش از ۲ هفته است که شروع شده است. این اعتراضات از استانبول شروع شد و سراسر ترکیه را فرا گرفت و همچنان ادامه دارد. جرقه این انفجار توده ای از اعتراض به تخریب یک پارک شروع شد. اما واضح است که جنبشی که فوران کرده است ریشه‌های عمیق تر و سیاسی تری دارد. نام میدان تقسیم که محل اصلی تظاهرات ها در استانبول می باشد اکنون مترادف با میدان التحریر بکار برده می شود. میدان تقسیم به میدان مبارزه مردم معترض تبدیل شده است.

حقیقت اینست که این اولین جدال و اعتراض مردم با حزب اسلامی یعنی عدالت و توسعه نیست. توده‌های وسیعی از مردم به خشم آمده ترکیه خود را مخالف جنبش اسلامی و مدافع ارزشهای چپ و سکولار میدانند و نمیخواهند قوانین اسلامی در جامعه ترکیه سرنوشت مردم را تعیین کند. مردم ترکیه به خوبی آگاه هستند و تجربه حکومت جمهوری اسلامی ایران را دارند و دیده‌اند که رژیم جنایتکار اسلامی ایران چه بلایی به سر مردم آورده است. تظاهرات کنندگان خشم خود را مستقیماً متوجه حزب حاکم اسلامی عدالت و توسعه نمودند و علیه این حزب شعار دادند و پافشاری میکنند که اردوغان استعفا دهد. تظاهر کنندگان برای سرنگونی اردوغان و حزب اسلامی اش خیز برداشته اند و بر کوتاه شدن دست دخالت ارتجاع اسلامی و مذهبی در زندگی مردم تاکید دارند.

طی این مدت اعتراض توده ای و کارگری، خشونت و بیرحمی پلیس و نیروهای اطلاعاتی ترکیه در سرکوب مردم توجه جهانیان را جلب کرده است. تعداد دستگیریهایی به بیش از 5000 نفر رسیده، چند نفر کشته شدند و تعداد زیادی مجروح شده اند. حملات فاشیستی پلیس ترکیه با لباس شخصی یادآور حملات جمهوری جنایتکار اسلامی است. این صحنه ها برای مردم درد مشترک را

تلویزیون مدوسا برنامه ای از آنر ماجدی

روزهای پنجشنبه از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به وقت

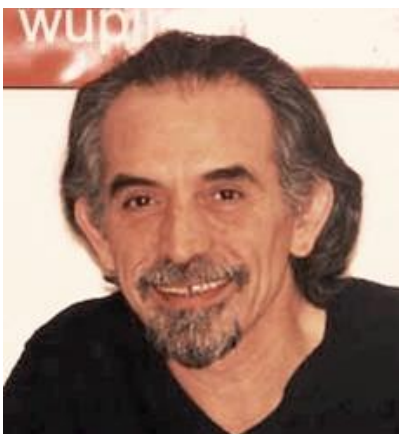
اروپای مرکزی

کانال: **KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500**

به دوستانتان اطلاع دهید!



تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



سیاوش دانشپور

"نوری در انتهای تونل"

زنان، روحانی و خط اعتدال

رمز "نوری در انتهای تونل" برای برون رفت نظام اسلامی از منگنه بحران و بن بست همه جانبه است. وقتی به روحانی لقب "شیخ امید" میدهند، در واقع امیدوراند که این شیخ که دوره طولانی در دستگاههای امنیتی و دیپلماتیک و حکومتی مشغول انجام وظیفه بوده است، بتواند موقتی هم شده، "خطر" سقوط و سرنگونی نظام را رفع و برای کل حکومت اسلامی وقت بخرد.

روحانی قسم میخورد که "پایبند نظام و قانون اساسی و ولی فقیه" است. خط اعتدال تاکید میکند که نگران است که با حرکتهای افراطیها در دو جناح، مردم از همه عبور کنند و فرصت از دست برود. ظاهرا قرار است با مهار و حاشیه ای کردن افراطیهای دو طرف، روی خط مرکز رفسنجانی و شرکا، به یک بالانس طلایی در موقعیت بحرانی فعلی برسند. اینبار "عقلای نظام" توانستند علیرغم حذف خود رفسنجانی، روی خط "اعتدال" وی توافق کنند تا داستان بحران لاعلاج جمهوری اسلامی به معادله قدیمی "رفسنجانی - خامنه ای" بعنوان دو سر بزرگ ازدهای هفت سر نظام اسلامی برسند.

پلاتفرم خط "اعتدال"

خط "اعتدال" قیل از اینکه معنی سر و ته داری داشته باشد یک بیان پراگماتیستی و محاسبه گرانه است.

در بالا و در درون حکومت این خط قبلا امتحان شده و وقت خودش شکست خورده است. خود روحانی در تمام مدت حاکمیت منحوس اسلامی و در دولتهای مختلف از مسئولین کلیدی نظام و نماینده خود خامنه ای در نهادهای

مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی برگزار شد. جمهوری اسلامی از میان شش کاندید حساب پس داده و مدافع پرشور نظام اسلامی به رهبری خامنه ای، از کلاش حسن روحانی را درآورد. روحانی طفل شیرین آن "حماسه سیاسی" است که خامنه ای فراخوانش را داده بود و همه ارکان نظام از جمله مغضوبینی مانند خاتمی و رفسنجانی و اپوزیسیون اسلام زده ایران به خدمت آن درآمدند.

روحانی نه اصلاح طلب حکومتی است و نه از باندهای خشکه مقدس تر آن. او یکی از نمایندگان خط مرکز محافل مرجع اسلامی است که اساسا برای مدت زیادی این خط حول رفسنجانی در جمهوری اسلامی نمایندگی شده است. "اعتدال گرایان" در جمهوری اسلامی به کسانی اطلاق شده است که پلاتفرم خود را مقابل به "افراط گرایی" دو جناح و پایبندی به قانون و نظام و ولی فقیه قرار داده اند. مستقل از اینکه این جریان خود را در چه فرمولهائی بیان میکند، هدف اساسی خط اعتدال گرائی مدیریت بحران در دوره ای است که جمهوری اسلامی از هر سو مورد تهاجم سنگین قرار گرفته است.

اگر رفسنجانی رد صلاحیت نمیشد قرار بود همین خط اعتدال را پیش ببرد. حتی قبلتر، کاندیداتوری موسوی، تلاش داشت چهارچوبهای جمهوری اسلامی را روی این دیدگاه برگرداند. بخش زیادی از اصلاح طلبان حکومتی و هواداران شان در اپوزیسیون نیز همین را میخواهند. خط "اعتدال و عقلانیت" اسم رمز دوره هائی است که بحران جمهوری اسلامی تشدید و تمیق شده و مخاطرات جدی از بیرون و درون حکومت را تهدید میکند. خط اعتدال در واقع بیانی دیگر از سیاست "جذب حداکثری" خامنه ای است. تا به امر بقای نظام اسلامی مربوط است، خط اعتدال اسم

امنیتی بوده است. اینبار نیز قرار نیست کار مهمی انجام دهد. در بالا قرار است بار دیگر رئیس جمهور گوش به فرمان ولی فقیه باشد، نظام و قانون نظام خط فرمزش باشد، در مقابل مردم معترض المثنی ای از پدیده خاتمی- رفسنجانی باشد، در مقابل دولتهای غربی و در سیاست دیپلماتیک رژیم درجه ای تشنج زدائی را جاری کند، معامله کند و امتیاز بگیرد و مجموعا فشارها را از روی سر نظام کم کند، وقت بخرد تا مجددا جمهوری اسلامی سیستم دفاعی خود را در رقابتهای منطقه ای و در مقابل مردم کارگر و زحمتکش بازسازی و تجهیز کند.

در پائین خط "اعتدال" منشا هیچ گشایشی نخواهد شد. نه قرار است حقوق و دستمزد کارگر اضافه و زندگی اش تامین شود، نه قرار است زندانیان سیاسی آزاد شوند، نه قرار است تشکلهای حزبی و توده ای آزاد باشند، نه قرار است زنان چادر سیاه اسلامی را سر نکنند، نه قرار است زن بودن دیگر در اسلام جرم نباشد و ارتش اوباش ضد زن از خیابانها جمع شود، نه قرار است بیمه بیکاری و بیمه درمانی به یک حق همگانی و واقعی تبدیل شود، و نه هیچ چیز دیگر. این خط از موضع مردم کارگر و زحمتکش ادامه این حکومت است و تحقق هر نوع آزادی واقعی در گرو جارو کردن و سرنگونی کل حکومت است.

معنای "رای" مردم

خامنه ای میگوید مردم به نظام رای دادند. ظاهرا توافق هم این بوده که تقلب نمیشود. اگر از بخش

موقعیت خامنه ای را بازسازی کنند و نه کسی در پائین برای توافق بالائینها برسر محوریت خامنه ای تره خرد میکند. خامنه ای به ته خط رسیده است.

۳- سیاست "سنگر بندی دسته جمعی اعتدالیون در دفاع از نظام در مقابل ضد انقلاب" اولین نتیجه اش عبور وسیع هواداران موسوی و شرکا از آنهاست. این تصور که سیاست اعتدال و قانونگرایی در بالا منجر به قانونگرایی در پائین میشود تصور باطل و پوچی است. با سیاست دستگیری و زندانی هر شرکت کننده در تظاهرات و قسم خوردن "اعتدالیون" به سر آقا، همان هوادار "قانونگرای" موسوی و خاتمی به هوادار سرنگونی کل نظام تبدیل میشود. پائین کشیدن موقتی فتیله ها در بالا به پائین کشیدن فتیله ها در پائین منجر نمیشود.

۴- پلاتفرم مدیریت بحران توسط خط مرکز در حکومت اسلامی همیشه وجود داشته و نماینده شاخص آن رفسنجانی است. فلسفه کاندید شدن موسوی پیشبرد همین سیاست در مقابل سیاست جناح حاکم بود. نزدیک شدن خامنه ای به رفسنجانی با اصول بازی "برد - برد دو جناح" و تقابل دسته جمعی با خطر سرنگونی نظام، شاید موقتا پروژه حذف در بالا را دستکم در لایه کارگزاران اولیه جمهوری اسلامی تعدیل کند اما تنها تفاوتی میکروسکوپی رفسنجانی و موسوی و خاتمی و کربوبی را با خامنه ای زائل میکند. پلاتفرم اعتدال وقت خودش شکست خورد. امروز به طریق اولی دردی از حکومت رو به زوال اسلامی دوا نمیکند.

سیاست اعتدال سیاستی از سر استیصال و بن بست همه جانبه کل حکومت اسلامی است. این سیاست دیدن "نوری در انتهای تونل" برای بقای نظام است. اما رژیم اسلامی برای بقای خود زبانی جز سرکوب و اعدام نمیشناسد. اگر در مقابل مردم عقب نشینی کنند، و حتی ژست فرمال دفاع از "حقوق حقه ملت" بگیرند، شاهد تهاجم بیشتر جامعه خواهند بود. و اگر سیاست "سنگربندی دسته جمعی در مقابل ضد انقلاب" و سرکوب در پیش گیرند، آنوقت معلوم نیست سیاست

صفحه ۷

"نوری در انتهای تونل"

زنان، روحانی و خط اعتدال ...

انقلابی مردم کارگر و زحمتکش، زیر بیرق "قانون" متحداند. اولین پیام روحانی به کسانی که هوادارشان هستند و یا به بهانه پیروزی وی به خیابانها ریخته اند، میگوید: تجمع با اجازه قانون! قانونی که از تجمع مثل جن از بسم اله میترسد.

آینده خط اعتدال

این پلاتفرم چند ایراد "ناقابل" دارد که از پیش مهر شکست بر پیشانی آن کوبیده شده است:

یک هدف سیاست اعتدال - ۱) پالایش عناصر درون حکومتی حول این خط و اما همکاری جناحها در قدرت است هیچ تضمینی وجود ندارد که گرایش خشکه مقدس و افراطی درون حکومت، که فی الحال قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی و اطلاعاتی وسیعی دارند، از این خط تبعیت کنند. خامنه ای و اعتدالیون قانونگرا اگر دنبال حذف افراطیون دو جناح هستند، ناچارند طیفی از دولتیها و مجلسیها و دایناسور آیت الله ها و سرداران سپاه و ژورنالیست - شکنجه گرها و احزاب فعلا مجاز را قربانی کنند. امری که عملی بودن آن دور از ذهن است.

یک هدف دیگر سیاست اعتدال - ۲) بازسازی موقعیت وخیم خامنه ای بعد از مسئله احمدی نژاد است. اما قانونگرایی و اعتدالی که قرار است محورش "آقا" باشد به خرج کسی نمیروند. نه مردمی که عزیزانشان را از دست داده اند، نه سبزهانی که از "سازش" رهبران نشان سرخورده شدند، و نه خود اعتدالیون در خلوت خود قبول میکنند که همه این جنایات بدستور و اشاره خامنه ای صورت نگرفته است. بالائینها هرچه برای خامنه ای دولا راست شوند، صداها برابر در پائین نفرت از خامنه ای و مدافعین اش بیشتر میشود. نه اعتدالیون میتوانند

کوچکی که روحانی و رفسنجانی و امثالهم را نماینده سیاسی واقعی خود میدانند، بگذریم، بیشتر مردمی که با محاسبات پراگماتیستی و بخشا از روی اجبار رای داده اند، اولاً به روحانی رای نداده اند بلکه به وضع موجود "نه" گفته اند. این رای به نظام نیست و به طریق اولی رای به روحانی نیست. یک نه اعتراضی به حکومت و تلاش برای ایجاد شکاف در آنست. از منظر این تاکتیک رای به روحانی یعنی نه به تداوم اوضاع کنونی. بیشتر این رای دهندگان در بی آلترناتیوی و از سر اجبار و اساسا نگرانی از وخامت اوضاع اقتصادی و نتایج تحریمها و خطر جنگ به این شیخ پشم الدین رای داده اند، آنها انتظار ندارند که روحانی ناجی مملکت و گشایش سیاسی و اقتصادی باشد. خامنه ای بهتر از هر کسی میداند که قطب بندی روزهای آخر این نمایش چه معنای سیاسی ای دارد. تازه معلوم نیست همین آرا را چند برابر کردند و اعلام کردند؟

سرکوبها تشدید میشود

"قانونگرایی" خامنه ای و زیر نور رفتن "خط اعتدال" چیزی جز آتش بس موقت در بالا برای تهاجم وسیع به مردم در پائین نیست و اینرا خودشان با بیبانه و بخشنامه صریحا اعلام کرده اند. سیاست دستگیری وسیع، ایجاد فضای ترور و وحشت، اجرای سناریوهای اطلاعاتی و جنگ سایبری با مخالفان نظام، تداوم سرکوب فعالین کارگری و مخالف حکومت، قرار است با زوررق "فضای اعتدال و گفتگو" بین چند عنصر تا مغز استخوان متحجر پیش برود. بالائیها به هر سازش و بند و بستتی در بارگاه خط اعتدال برسند، هر باندی برای همکاری سهمش را چطور بگیرد، کل این جماعت در تقابل با آزادی و تحرک

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

فعالین سازمان آزادی زن در گوتنبرگ سوئد و اسلو
 نروژ همراه با حزب حکمتیست و دیگر سازمانهای چپ
 و مخالف جمهوری اسلامی در تظاهراتی علیه
 مضحکه انتخابات شرکت کردند.
 عکسهایی از تظاهراتها:



"نوری در انتهای تونل"

زنان، روحانی و خط اعتدال ...

اعتدال قرار است چه معضلی از آنها حل کند. اعتدال قرار است چه معضلی از آنها حل کند. از نظر مردم فرقی نمیکند که سرکوبگرانشان وابسته به کدام باند حکومت اند، مردم دنبال نفی سرکوب اند. تصویر آینده نزدیک تهاجم مردم به کلیت جمهوری اسلامی است. خط اعتدال سیاستی برای وقت خریدن، تجدید قوای نیروی سرکوب، و تهاجم به مردمی است که جمهوری اسلامی نمیخواهند. باید این سیاست را با گسترش اعتراض رادیکال در هم کوبید.

البته خط اعتدال برای هزارمین بار نقاب از چهره کریه دشمنان مردم و "رهبران" خودگمارده برمیکشد. این تنها خاصیت این خط است.*



برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت 17.30 بوقت تهران از شبکه هات برد

کانال: KMTV مگاهارتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل 150 کرون سوئد، 15 یورو یا 20 دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوئد ارسال شود:

نام بانک در سوئد: PlusGiro شماره حساب در سوئد: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS شماره حساب به فرم IBAN: SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی: wshahla.n@gmail.com

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION

1 MAY 2013

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran

44



Message of solidarity from Asar Majidi 31 March 2012

1 May is the International Workers' Day. It is the international day when people declare their determination for building a Free, Equal and Better world. A world where people are equal regardless of their gender, race or religion. We must celebrate this day. The ideals of working class movements for liberation and equality is part of women's liberation aspirations too. Let us all join to celebrate 1 May.

Long Live 1 May!
Long Live Freedom and Equality!

Women's liberation movement is the uncompromising enemy of the Islamic movement.

Women's freedom is the measure of freedom in society. There is still a great deal left to accomplish in order to eliminate inequality between men and women, not only in Iran where misogyny brutally rules, but in the most advanced societies as well. The Organisation for Women's Liberation sees itself as part of the immense historical and international struggle for women's liberation.



نشریه
انگلیسی
زبان
سازمان
آزادی
زن

PAGE 1

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION

1 MAY 2013

A minute silent in memory of Textile workers in Bangladesh

Tragedy in Textile Factory:
Hundreds dead or missing



Maryam Kousha

The Rana Plaza garment factory collapsed on Wednesday 24 April 2013 on the outskirts of the capital Dhaka in Bangladesh. At least 3000 people are estimated to have worked in the building when it collapsed. About 2430 are now known to have survived, and injured but hundreds are dead or missing. On Sunday, the building's owner and more involved with the factory were arrested.

This tragedy happened only 6 months after the fire which engulfed the Tazreen Fashions garment factory in Bangladesh killing 377 workers. Many manufacturing factories in Bangladesh, especially the textile industry use cheap labour in crowded and unsafe conditions to produce garments for the Western fashion retailers. The government of Bangladesh, the factory owners and the Western companies are not concerned about the working and living condition of workers, who are mainly women. All they are interested in is more profit.

The owner of the Rana Plaza factory had added three stories to his building without planning permission. The corrupt government and officials turn a blind eye on the atrocities being committed against the workers.

Safety at work either does not exist or is below standard. It is a criminal act committed by all the officials in Bangladesh. They should be accounted for. The Western retailers, in this case, Primark, Mango and Mataland, cannot claim that they have nothing to do with this tragedy. They are responsible too.

The death of one worker in one part of the world is a sad day for all workers in the world. This May Day, let us have a minute silent in the memory of the workers of Bangladesh. International solidarity and unity is the way forward to oppose such atrocities in Bangladesh and other places. The factory owners, retailers, governments do not regard workers as a hindrance to their cooperation for more profit. The working class too must unite across borders and show its strength in changing the world.



PAGE 8

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

سایتهای سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

www.womensliberation.net

زنده باد آزادی زن!